بررسی سطح تفسیر در آموزه‌های اخلاقی مندرج در دیوان غزل‌های صائب تبریزی با رویکرد به نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

زهره داودی ثانی [۱]، دکتر محمد حجت *[۲]، دکترفرهاد طهماسبی [۳]
۱-دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
۲-گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
۳-گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵)

چکیده

زمینه: بسیاری از آثار ادبی فارسی، با مفاهیم عمیق اخلاقی پیوند خورده و موضوعات تعالی‌بخش و انسان‌ساز در سطوح روساخت و ژرف‌ساخت در آن بازنمایی شده است. صائب تبریزی در دیوان غزلیات از ابزارهای ادبی برای پرداختن به مسائل اخلاقی استفاده کرده است. خوانش سطح تفسیر این اشعار بر پایهٔ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، نشان می‌دهد که نظام ارتباطی شخصیت‌ها در غزل‌ها بر اساس عنصر اخلاق شکل گرفته است. افزون بر این، بازنمایی انتقادی مسائل ناقض گفتمان اخلاق‌بنیاد بر گفتمان‌های دیگر منعکس در شعرها اثرگذار بوده است. این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی تدوین شده و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که با کاربست نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (سطح تفسیر)، رویارویی میان اخلاق و ضداخلاق دارای چه مصداق‌هایی است و با مناسبات قدرت در لایه‌های زیرین چه ارتباطی دارد؟

نتیجه‌گیری: در سطح تفسیر، تأثیرپذیری صائب از دو منبع اصلی یعنی متون دینی و مبانی عرفان اسلامی مشاهده می‌شود. بر این پایه، مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی بازنمایی‌شده عبارت است از: «خاموشی و سکوت»، «تسلیم و رضا»، «ترک تعلق»، «دادگری»، «تواضع»، «ذکر گفتن»، «توکل به خدا»، «بخشش در راه خدا» و «احسان به دیگران».

کلیدواژگان: صائب تبریزی، دیوان غزلیات، اخلاق، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف.

سرآغاز

صائب تبریزی یکی از شاعران برجسته‌ای است که افزون بر مسائل شخصی و دغدغه‌های فردی به موضوعات اجتماعی و انسان‌ساز توجه نشان داده و از ذوق و قریحهٔ ادبی خود برای رشد و تعالی زندگی بشر استفاده کرده است. بر این پایه، او با پرداختن به نظام هنجارهای اخلاقی و ضداخلاقی، ممیزه‌ای دقیق و مبتنی بر مسائل عمیق ایدئولوژیک[۱] ارائه داده و بر گسترهٔ درک و بینش مخاطب خود از مقولهٔ اخلاقیات افزوده است. شاعر رسالت ادبی خود را صرفاً در خودنمایی و اظهار فضل خلاصه نکرده و ضمن آگاهی از خویشکاری‌های انسانی و اجتماعی خود، از بایدها و نبایدهای اخلاقی یاد کرده و شعر خود را غنا بخشیده است.

گفتمان اخلاقی[۲] شکل‌گرفته در غزلیات شاعر، تحت تأثیر منابع گوناگون خارجی شکل گرفته است.

او با مطالعه و تدقیق در مقولات مختلف به سطحی از درک و بینش رسیده است که مجموعه‌ای از کنش‌های اخلاقی سودمند و ناسودمند را در اشعار خود بازنمایی کرده و به تشریح زوایای گوناگون آن پرداخته است.

در ارتباط با گفتمان رویکردهای مختلفی وجود دارد و صاحب‌نظران بسیاری با پرداختن به مؤلفه‌های گوناگون گفتمانی، چهارچوب‌هایی دقیق از این مقوله ارائه کرده‌اند. نورمن فرکلاف[۳] از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای است که نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی[۴] را قوّت بخشیده و با پرداختن به زوایای گوناگون آن، امکان خوانش لایه‌های گوناگون متون ادبی را فراهم آورده است. او باور دارد که متن تولیدی دارای سه سطح «توصیف[۵]»، «تفسیر[۶]» و «تبیین[۷]» است و برای رسیدن به هر لایه ابزارهای متنوعی را پیشنهاد داده است.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: Mohammed_1457@yahoo.com

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲
[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

در سطح توصیف، مؤلفه‌هایی چون: اسم، فعل، ضمیر، باهم‌آیی و همنشینی واژگان و ... در پی بردن به نظرات شاعر یا نویسنده اثرگذار هستند. در سطح تفسیر، مقولهٔ میان‌متنیت و اثرپذیری خالق متن از منابع خارجی دیگر مورد نظر قرار می‌گیرد. در سطح تبیین، نظام‌های اصلی گفتمانی طرح‌شده در متن بازنمایی می‌شود.

هدف و مسألهٔ اصلی پژوهش حاضر که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی تدوین شده، بررسی گفتمان‌های اخلاقی در غزلیات صائب تبریزی در سطح تفسیر است تا مشخص گردد که شاعر در شرح و طرح رویکردهای اخلاق‌کدارانهٔ خود از چه منابعی اثر پذیرفته است.

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

از دید فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی به نحوی نظام‌مند به تحقیق دربارهٔ روابط غالباً مبهم علیت و تعیین‌کنندگی میان «کنش‌های گفتمانی، رخدادها و متون» و «ساختارها و روابط و فرآیندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی» می‌پردازد (۱) و الگوی گفتمانی فرکلاف دارای سه سطح مشخص است: توصیف، تفسیر و تبیین. سطح توصیف مرحله‌ای است که «با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد». (۲) در این لایه به مؤلفه‌هایی مانند: توجه به نظام نوبت‌گیری[۸]، رعایت ادب، انتخاب کلمات و مناسبات معنایی آنها، روح گروهی[۹]، عبارت‌بندی‌های افراطی و دگرسان[۱۰]، گونهٔ ادبیات استفاده‌شده و دستور زبان پرداخته می‌شود. سطح تفسیر مرحله‌ای است که شامل فرآیندهای گفتمان و تفسیر متن می‌شود. تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای استفاده‌شده از جانب تفسیرگر در تفسیر متن است. (۳) در این سطح، چهار عنوان مورد نظر قرار می‌گیرد: «ظاهر کلام یعنی مجموعه‌ای از آوا یا نشانه‌های موجود بر روی کاغذ که به کلمات، عبارات و جملات معین تبدیل می‌شود؛ معنای کلام یعنی دادن معنا به اجزای تشکیل‌دهندهٔ متن؛ انسجام موضعی یعنی برقراری ارتباط معنایی بین گفته‌ها تا در صورت امکان، تفسیری منسجم از رشتهٔ کلام به دست آید؛ و ساختار و جان‌مایهٔ متن که مبین چگونگی پیوند اجزاء به یکدیگر و نحوهٔ انسجام فراگیر متن است». (۴) سطح تبیین مرحله‌ای است که «به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد. اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند». (۲) تبیین به اثربخشی‌های بازتولیدی گفتمان‌ها بر حفظ یا دگرگونی ساختارها می‌پردازد. (۳)

تحلیل گفتمان انتقادی غزل‌های صائب تبریزی در سطح تفسیر

در غزلیات صائب تبریزی، چند مقولهٔ بینامتنی به عنوان شکل‌دهندهٔ نظام گفتمانی اخلاق‌محور شاعر وجود دارد که «قرآن و حدیث» و «عرفان و تصوف اسلامی» از بیشترین اهمیت برخوردار هستند. شاعر با تکیه بر این منابع ارجاعی، شخصیت‌هایی را آفریده و مطالبی را با بهره‌گیری از کنش، اندیشه و سخنان آنها بازتاب داده است که در تشریح ابعاد گوناگون گفتمان او اثری مطلوب دارد.

۱. تاثیرپذیری اخلاقی از قرآن و سایر متون اسلامی

- احسان به دیگران

در قرآن به این مهم اشاره می‌شود که انسان‌ها همواره از یکدیگر باخبر باشند و در صورت نیاز یکی از افراد، دیگران به یاری او بشتابند. «در طول تاریخ و در تعالیم تمام ادیان، اخلاق، ارزش‌های اخلاقی و تربیت اخلاقی بخش مهمی از ندگی بشری را تشکیل داده است». (۵) بر این پایه، این احسان ورزیدن می‌تواند جنبهٔ مالی و اقتصادی داشته باشد که قرآن از آن با عنوان انفاق در راه خداوند یاد می‌کند. البته نباید در این راه زیاده‌روی کرد و خود را به مشکل انداخت. کسانی که اهل احسان کردن باشند، خداوند به آنها علاقه دارد و این نیکویی آنها را در نظر می‌گیرد. (بقره: ۱۵۹؛ اسراء: ۷)

صائب نیز بارها به احسان کردن در حق دیگران اشاره کرده است. شاعر می‌گوید که نباید در این کار، ریاکارانه و مزورانه رفتار کرد و کسی نباید از این نیکویی‌ها آگاه شود. کسانی که در حق مردم لطف روا می‌دارند، نباید آن را در جایی برملا کنند و به گونه‌ای رفتار کنند که گویی شب است و کسی نمی‌بیند. در این صورت است که احسان آنها به مثابه آب زندگانی خواهد بود و اثری مطلوب و ماندگار برای هر دو طرف خواهد داشت. از دید صائب، کسانی که افتادگان را دستگیری می‌کنند و به داد ایشان می‌رسند، در واقع زمینه و بستری را فراهم می‌کنند که هم خودشان و هم فرزندان و بازماندگانشان از نتایج مطلوب این خوبی‌ها بهره‌مند خواهند شد.

چو آب زندگانی، جان‌بخش شو در پردهٔ شب‌ها
مکن رسوا به احسان چهرهٔ پوشیده‌حالان را

****

چون صدف، هرکس که شد افتادگان را دستگیر
چون نباشد در میان، نیکی به فرزندش کنند

****

دست دعا بود سر ناوک قضا
در کار خیر صرف کن اقبال خویش را

****

نه زر و سیم و نه باغ و نه دکان می‌ماند
هرچه در راه خدا می‌دهی آن می‌ماند
(۶)

- بخشش در راه خدا

این کنش باید در همهٔ کارهای آدمی مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت، این شائبه به وجود می‌آید که امکان دارد آن کار نیکو برای خودنمایی باشد. در قرآن به این موضوع در آیه‌های گوناگون اشاره شده است. خداوند مؤمنان را به برپا داشتن نماز و پرداخت زکات دعوت می‌کند و چنین می‌گوید که این کارهای نیکو در راه باری تعالی بوده و

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

سودمند برای انسان‌هاست. قطعاً آنها برآیند و نتیجهٔ این کنش‌های مطلوب را دریافت خواهند کرد. (بقره: ۱۱۰)

صائب نیز به کنشگری آدمی در راه خداوند اشاره کرده است. او این گفتمان ایدئولوژیک[۱۱] و اعتقادی را راهی مطلوب برای رها شدن از دنیای افسرده‌آور می‌داند. جهانی که آدمی در آن زندگی می‌کند، چندان خوشایند نیست و همراه با ناراحتی‌های بسیار است. در این شرایط، کسانی که سعی می‌کنند کام افسردگان را شیرین کنند و از تلخی درآورند، در واقع سعادتمندان حقیقی هستند. آنکه اهل کرَم است و به دیگران می‌بخشد، هر درم و دیناری که هزینه می‌کند، مال و دارایی خود را هزار برابر می‌سازد و باغ خود را آباد و سرسبز می‌گرداند.

در این ماتم‌سرا تا یک نفس چون صبح، مهمانی
به شکـــرخنده، شیـــرین‌دار تلخ‌کامان را

****

ز خرج، دخل کـــریمان یکـــی هـــزار شود
در گشـــاده، در بســـته است باغ مرا

(۶)

- تواضع

فروتنی از جمله آموزه‌های اخلاقی است که در قرآن به آن اشاره شده است. خداوند در قرآن به پیامبر اشاره می‌کند که همواره از روی تواضع با مردم رفتار کند و مهربانی را در حقشان تمام نماید. (اسراء: ۲۴) خودپسندی و سرکشی دو ویژگی منفی و نامطلوبی هستند که نتیجه‌ای جز سقوط معنوی به همراه ندارند. بنا بر نص صریح قرآن، چنین افرادی زیانکاران حقیقی هستند و بارشان به منزل مقصود نخواهد رسید. (یونس: ۱۲)

صائب تبریزی، خاکساری و تواضع را عامل اصلی زنده بودن دل می‌داند. کسانی که جامهٔ فروتنی بر تن می‌کنند، باید بدانند که بهترین لباس را گزینش می‌کنند. این ویژگی اخلاقی باعث می‌شود تن و جان آدمی صیقلی پیدا کند و جلا یابد. در واقع، خاکستر است که آتش را زنده می‌کند. پس خاکساری می‌تواند آتش درون آدمی را که به سوی حقیقت می‌رود، شعله‌ور گرداند. کسانی که خاکی‌نهاد هستند، نور چراغ مهر را در وجود خود روشن می‌کنند و اگر در مواقعی این نور به ظاهر از سوی دیگران پایمال شود، اما در حقیقت، هرگز نادیده گرفته نمی‌شود و پرثمر خواهد بود.

گر دل خود زنده خواهی، خاکساری پیشه کن
به ز خاکســـتر لباسی نیـــــست آتش‌پاره را

****

به گَرد خاکـــساری، ده جـــــلا آیینهٔ دل را
که روشنگر به از خاکستر خود نیست اخگر را

****

خاکـــــی‌نهاد بـاش کـه نـور چـراغ مـــهر
هـرچـــند پایمال شـــود، پایمـــال نیســـت

(۶)

- توکل به خدا

این ویژگی برای انسان به عنوان موجودی ضعیف و ناتوان، امری حیاتی و ارزشمند است. اگر انسان به خداوند تکیه نداشته باشد و در بحران‌های مختلف از او یاری نخواهد، قطعاً شرایط سختی را تجربه خواهد کرد و راه به فرجامی مطلوب نخواهد برد. در قرآن به این امر اشاره شده است. باری تعالی به پیامبر یادآور می‌شود که اگر در چنین جایگاهی قرار دارد و محبوب مردمان شده است در اثر لطف خداوندی بوده است. حال که این‌گونه است، باید از گناه و بدی مردم درگذشت و آنها را مورد بخشش قرار داد. در نهایت توصیه می‌کند که در هر کاری به خداوند توکل کند؛ زیرا خداوند متوکلین را به غایت دوست می‌دارد. (آل عمران: ۱۵۹)

در متون تفسیری هم توکل بر ارادهٔ الهی تأکید شده است. انسان برای انجام هر کاری نیاز به شماری از اسباب و علل دارد. اگر با خداوند باشد و ارتباطی دوسویه با او داشته باشد و در سختی‌ها بر باری تعالی توکل کند، قطعاً هیچ مانع و علتی بر سر راه او قرار نمی‌گیرد یا اگر قرار گیرد، به سادگی از بین خواهد رفت. (۷)

صائب تبریزی باور دارد کسانی که توکل می‌کنند در واقع کار خود را به ساز کرده و سامان می‌بخشند. از دید شاعر، توکل نورزیدن دور از مروت است و اگر کسی به بندهٔ خدا توکل کند، تنها زحمت و رنجی را بر دیگران افکنده است. اگر در راه زندگی، آدمی به عصاهای چوبی دنیایی تکیه کند و خود را از آن رها نسازد، قطعاً در دریای عصیان غرق خواهد شد و نمی‌تواند به ادامهٔ طی مسیر امیدوار باشد. کسانی که به خداوند توکل می‌کنند، چراغ وجود خود را روشن می‌کنند.

صرف بیکاری مگردان روزگار خویش را
پـــرده روی توکل ساز، کار خـــویش را

****

بیکاری و توکـــل دور است از مـــروت
بر دوش خلق مفـــکن زنهار بار خود را

****

با توکل، سفری شو که در این راه به چاه
هرکه از دست نینداخت عـــــصا می‌افتد

(۶)

- غیبت کردن

غیبت‌کردن یکی از بدترین اعمالی است که انسانی می‌تواند انجام دهد. راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «غیبت این است که انسان را با عیبی که در او هست بدون اینکه نیازی به ذکرش باشد، یادآوری نمایند». (۸) این تعریف‌های جزئی و کلی نشان می‌دهد که غیبت کردن عملی بسیار زشت است و تا می‌شود باید از آن پرهیز کرد.

در قرآن نیز، این عمل بارها نکوهیده شده است. آشناترین توصیفی که از این کار در این کتاب آسمانی دیده می‌شود، خوردن گوشت برادر مرده است. به این معنا که هرکه غیبت می‌کند، گویی از گوشت برادرش که جان سپرده است، تناول می‌کند. (حجرات: ۱۲) قرآن با این توصیف[۱۲]، نامطلوب بودن این کنش را بازنمایی کرده است.

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

صائب در راستای کلام خدا، غیبت کردن را همچون مردارخواری می‌داند و مخاطب خود را از این لقمه برحذر می‌دارد. کسی که دهان خود را از غیبت کردن پاک نکند، کلید درِ دوزخ، در دهانش جای می‌گیرد. این سخن بدان معناست که اهل غیبت جایی در بهشت ندارند.

بود غیبت خلق، مردار خوی
بپرداز از این لقمه کام و زبان را

****

کسی که پاک نسازد دهن ز غیبت خلق
همان کلید درِ دوزخ است مسواکش

(۶)

- ذکر گفتن

ذکر گفتن از جمله کنش‌هایی است که در قرآن به آن اشاره شده است. «ذکر به معنی حفظ شیء و ضد آن، نسیان است». (۹) در قرآن آمده است که خداوند به مؤمنان چنین می‌گوید که یاد و نام خدا را بارها بر زبان خود بیاورید و در دل از خداوند یاد کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب: ۴۱) به معنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ذکر حق و یاد خدا (به دل و زبان) بسیار کنید».

صائب تبریزی نیز بر امر ذکر گفتن تأکید دارد. او می‌گوید در این خاکدان عالم تنها یاد و نام خداوند است که می‌تواند آدمی را به آرامش برساند. اگر آدمی این‌چنین رفتار می‌کند می‌تواند دنیای بی‌ارزش را برای خود ارزشمند و گوهرمانند نماید؛ زیرا یاد خدا که در همهٔ لحظه‌ها با آدمی همراه باشد، شرایط زندگی و حیات برای او مطلوب‌تر خواهد شد. صائب به مخاطبان خود می‌گوید هرگاه در کارهای خود با مشکلات خُرد و کلان مواجه شدند باید از خداوند یاد کنند و ذکر بگویند. در واقع، این ذکر گفتن‌ها کلید اصلی بازشدن همهٔ قفل‌هاست و گره‌ها را می‌گشاید.

مشو ز خاکدان عالم از یاد خدا غافل
که نور ذکر گوهر می‌کند این مهره گل را

****

کار چون در گره افتد، ز خدا یاد کنیم
عقدهٔ مشکل ما سبحهٔ صد دانهٔ ماست

(۶)

- دادگری

عدل و دادگری در فرهنگ دینی و اسلامی از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. یکی از سویه‌های عدالت و دادگری این است که فرد هم با خود از روی عدالت رفتار کند و هم با اطرافیانش. این‌گونه می‌تواند عدالت را به خوبی محقق سازد. بنابراین، دادگری جنبه‌ای فردی و اجتماعی دارد. در اندرزنامه‌های پهلوی، نخستین مرحلهٔ دادگری، عدالت در حق خویشتن معرفی شده است. به این معنا که اگر فرد می‌خواهد به شناخت درستی از این مفهوم کلان اجتماعی دست پیدا کند، در آغاز باید عدالت را در پیوند با خویشتن اجرایی کند و در گام‌های بعدی، در اندیشهٔ برون‌داد آن باشد: «نخستین گام در دادگری آن است که آدمی، داد را از خود آغاز کند و هر خوی نیک و رفتار پسندیده و روش استوار و نیک‌خواهی را به خود آموزاند تا در این جهان، ایمن و در آن جهان رستگار باشد». (۱۰)

خداوند در قرآن می‌فرماید که بندگان به انجام این کنش مطلوب فراخوانده شداند. عدل و احسان در کنار هم ذکر گردیده است تا اصل مردم‌داری در مناسبات اجتماعی[۱۳] یک اصل باشد. خداوند مخاطبان خود را از ستمکاری برحذر می‌دارد و می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰) به معنی «همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید».

عدالت‌ورزی و مبارزه با ستم اصلی بنیادی در بقا و ماندگاری یک جامعه است. بی‌تردید، یک جامعه بر پایهٔ کفر و بی‌دینی ادامهٔ حیات می‌دهد، ولی با تکیه بر بیداد و ظلم هرگز. رواج بی‌عدالتی در جامعه موجب از بین رفتن حسّ اعتماد و یکدلی در میان مردم و پیدایش تفرقه و اختلاف طبقاتی[۱۴] و ... خواهد شد. بنابراین، بدیهی است که توجه به این مقوله در شعر صائب تبریزی بازتاب ویژه‌ای داشته باشد. او عدالت را به مثابه ترازویی می‌داند که یک سوی آن، نرنجاندن دیگران است. همچنین، صائب بیان می‌دارد که میانه‌روی در کارها از جمله نشانه‌های دادگری است.

از دو سر عدل، ترازوی گران تمکینی است
که نرنجاند کسی را و نرنجیده گذاشت

****

قلم برون منه از شارع میانه‌روی
که از کنار غم بیکرانه برخیزد

(۶)

۲. تاثیرپذیری اخلاقی، از مبانی تصوف و عرفان

- ترک تعلق

ترک تعلق یکی از موضوعاتی است که در عرفان اسلامی بر آن تأکید شده است. عارفان باور دارند که آدمی برای رسیدن به مقام قرب الهی باید از مادیات و وابستگی‌های دنیایی بگذرد تا بتواند خود واقعی خویش را کشف نماید. در گسترهٔ عرفان و تصوف اسلامی، «تعلق، وابسته بودن به امور مادی و دنیوی است که سالک را از سیر و سلوک الی الله بازمی‌دارد». (۱۱) آنکه خواهان تقرب الهی است، باید از دنیای دنی بگذرد و خود را نسبت به مظاهر آن بی‌انگیزه و بی‌تفاوت نشان دهد تا تحولاتی عمیق در زندگی‌اش حاصل شود

صائب در این باره غزل‌های بسیاری سروده است. «صائب با توانمندی بسیار بی‌نظیر و به طرزی زیبا این موضوع را در اشعار خود گنجانیده است. در نظر او، کسی که خود را از گرد علایق و تعلقات پاک کند، می‌تواند همچون صرصر پا بر سر آتش بگذارد. در جایی دیگر می‌گوید که چنین کسی که پشت پا به تعلقات نیوی زده باشد، به سرمنزل

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

مقصود و به رستگاری ابدی می‌رسد». (۱۲) در ساختار فکری شاعر، دنیا و مافیها به مثابه خس و خاشاک هستند و زمانی آدمی می‌تواند به ثبات برسد که بتواند از این خس و خاشاک‌ها دور شود. رسیدن به منزل مقصود که همانا مصاحبت با باری تعالی است، در شرایطی ایجاد می‌شود که آدمی از دنیا بگریزد و آن را نادیده بگیرد.

هرکه صائب از خس و خار علائق پاک شد
می‌تواند پا چو صرصر بر سر آتش نهد

****

بی‌علایق چون شود سالک به منزل می‌رسد
چون شود بی‌برگ نخل اینجا به حاصل می‌رسد

****

پاک اگر شوین دست از چرک دنیا خاکیان
دست در یک کاسه با خورشید چون عیسی کنند
(۶)

- تسلیم و رضا

این موضوع می‌تواند زمینه‌های لازم را برای تاب‌آوری دشواری‌های راه سلوک فراهم نماید و موجب شادکامی غایی رونده شود. «تسلیم آن بود که به فعلی که تعلق به باری سبحانه و تعالی داشته باشد و یا به کسانی که به ایشان اعتراض جایز نبود، رضا دهد و به خوش‌منشی و تازه‌رویی آن را تلقی نماید، اگرچه موافق طبع او نبود». (۱۳) تسلیم و رضا به بنده می‌آموزد که در برابر خداوند و خواسته‌های الهی کاملاً راضی و مطیع باشد و همواره او را پشت و پناه خویش بشمارد. در این صورت، او می‌تواند به سعادت و نیک‌انجامی خود امیدوار باشد

صائب تبریزی که به اعتبار تسلیم و رضا در وادی عرفان پی برده است، در اشعار گوناگون به آن می‌پردازد و ابعاد گوناگونی از آن را تشریح می‌کند. از دید او، کسانی که به رضا و تسلیم مجهز شوند، قادر خواهند بود پای بر افلاک بگذارند. این تصویرسازی بدان معناست که تسلیم و رضا می‌تواند مقام انسان را به عالم لاهوت منتهی گرداند و شأن وی را بیفزاید. به بیان دیگر، ثمرهٔ گفتمان تسلیم و رضا که صائب مطرح می‌کند، برفتن از دنیای مادی و رسیدن به معنویات است. صائب باور دارد که اهل تسلیم و رضا به آب بقا دست پیدا می‌کنند. در واقع، عمر و زندگانی همیشگی و جاودانه برای آنهاست و باعث می‌شود مرگ و تباهی در ارتباط با آنان بی‌معنا شود.

پای در دامان تسلیم و رضا باید کشید
اطلس افلاک را در زیر پا باید کشید

****

عاشقانی که به تسلیم و رضا می‌باشند
تا به گردن همه در آب بقا می‌باشند
(۶)

- ریاکاری

این عمل یکی از کنش‌های شخصی و اجتماعی است که باعث گمراهی افراد دیگر می‌شود. این پدیدهٔ غیراخلاقی که از گسترهٔ معنایی منفی و نامطلوبی برخوردار است، از گذشته تا به امروز در دین‌ها، فرهنگ‌ها، مکتب‌های فکری و رویکردهای اخلاق‌گرا، امری مذموم و ناپسند تلقی شده است و هیچ نگاه مثبتی در ارتباط با آن وجود ندارد. در وادی عرفان اسلامی نیز، ریاکاری امری بسیار نامطلوب دانسته شده است. «اصل ریا طلب منزلت است در دل‌های مردمان به نمودن خصال جمیل ایشان را الا آن است که جاه و منزلت در دل‌ها به عمل‌هایی جز عبادت طلبیده شود و نیز به عبادت‌ها طلبیده شود و نام ریا به حکم عبادت، مخصوص است به طلب منزلت در دل‌ها به عبادت‌ها و اظهار آن. پس، حد ریا نمودن، اطاعت خدای است بندگان را». (۱۴) پس در نگاه عرفانی، زیاده‌خواهی و دنیادوستی باعث می‌شود تا آدمی برای تأمین این اهداف، ریاکاری را دستاویز قرار دهد.

صائب تبریزی نیز، ریاکاری را بی‌پرده مورد هجوم و تازش قرار داده است. او اطاعتی را که از روی ریاکاری باشد، نوعی عصیان می‌داند و آن را می‌نکوهد. این نوع از طاعت را باید پنهان کرد و نشان نداد؛ زیرا مایهٔ ننگ و شرمساری است و برآیندهای مطلوبی به همراه ندارد. صائب خطاب به مردم می‌گوید که عبادت خالصانه آن است که برای کسب رضایت مردم نباشد و برای نزدیک‌تر شدن به حضرت دوست انجام شود. این عبادت را باید محترم و اصیل شمرد و دانست. عبادتی ارزش پیدا می‌کند که به صورت پنهانی انجام شود. کسی که در جستجوی آسودگی و ثبات و سکون درونی است، قطعاً خودنمایی نمی‌کند و عبادتش را به رخ دیگران نمی‌کشد. او به مخاطبان خود توصیه می‌کند که حجابی در برابر عبادت‌های خود بکشند و مانع دیده شدن آن توسط دیگران بشوند. در نهایت، او بیان می‌دارد که نمی‌توان به بهشتی امید داشت که برآیند قبول مردمان باشد.

فساد طاعت بی‌پرده افزون است از عصیان — نهان کن چون گناه از چشم مردم طاعت خود را

بپوش از خودنمایی چشم اگر آسودگی خواهی — که زیر پاست آتش‌های عالم خودنمایی را

گردد قبول خلق، حجاب قبول حق — پوشیده کن ز دیدهٔ مردم، نماز را

نیست امید به جنت کز قبول مردمان — مزد خود اینجا ز طاعت ریایی یافتم

- خاموشی و سکوت

یکی از اصلی ترین و مؤثرترین راه‌هایی که عرفا برای مریدان مبتدی خود در نظر می‌گیرند و همواره آنها را به رعایت آن سفارش می‌کنند، توجه به صَمت و خموشی است. اصل عرفانی بارزی که هر سالک مبتدی با نظرداشت آن می‌تواند با اطمینان بیشتری قدم به وادی صعب و سخت سلوک بنهد و به عبارتی، جان سالم از آن به در برد. «صمت به فتح اول و سکون میم، در لغت به معنی خاموش بودن، خاموش شدن و سکوت است» (۱۵) و در اصطلاح، «ترک تکلّم است با داشتن قدرت».

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

(۱۶) بین واژهٔ صمت و سکوت تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. «در زبان عربی، به چیزهای جامد، اشیاء صامت می‌گویند. صمت نوعی از خاموشی پایدار و سکوت خاموشی موقتی و گذراست. صمت ترک مطلق سخن گفتن است، در حالی که سکوت، خاموشی در جایی است که سخنی به میان آمده و بعد از گفتن باز ایستاده است». (۱۷)

در شعر صائب تبریزی هم، خموشی‌گزینی امری ستوده شده است. «صائب با شناخت کامل از این موضوع اخلاقی چنین می‌گوید که اگر بر لب کسی مهر خاموشی گذاشته نشد، چنین کسی نمی‌تواند لذت بهشت را درک کند». (۱۸) او اعتقاد دارد که رفتن آدمی به بهشت با سکوت کردن او رابطه‌ای مستقیم دارد. هر اندازه آدمی بیشتر خموش باشد، احتمال افتادن به دام گناه و هرزه‌درایی در او کاهش پیدا می‌کند و موفقیت افزون‌تری را به دست می‌آورد. پس باید سعادت و نیک‌انجامی آدمی را در گرو خموشی وی دانست. دلیل این رویکردهای اخلاقی صائب این است که «اخلاق موضوع مورد نیاز تمام آحاد است که به عنوان مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها تعریف می‌شود» (۱۹) و همگان ملزم به رعایت آن هستند. «در هر جامعه‌ای الگوهای اخلاقی[15]، رفتاری و تربیتی وجود دارد که ممکن است لزوماً تنها به طور مستقیم به افراد جامعه تعلیم داده نشود». (۲۰) به طور کلی، «هنرمند به نحوی عمیق و شدید بر جامعه تأثیر می‌گذارد و هنر، تنها از زندگی نسخه برداری نمی کند، بلکه به آن شکل می دهد.»(۲۱) از این رو، صائب نیز، سعی می‌کند اهمیت موضوع خموشی را به با بیانی غیرمستقیم در اختیار مخاطب قرا دهد.

بر لب گفتار هر کس مهر خاموشی نزد
جنت دربسته را ادراک نتوانست کرد

****

تا نزد مهر خموشی بر دهن با صد زبان
بوستان پیرا دهان غنچه را پرزر نکرد
(۶)

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سطح تفسیر، دو زمینهٔ بینامتنی دیده می‌شود که عبارت است از: ۱. متون اسلامی از جمله قرآن و احادیث ۲. مبانی و اصطلاحات عرفان و تصوف اسلامی.

فضایی برآمده از فرهنگ مردسالار و باورهای ایدئولوژیکی در غزل‌های صائب تبریزی نمود دارد. او با ایجاد دو گروه «خودی» و «دیگری» سعی می‌کند ممیزی‌ها و مرزبندی‌های اخلاقی دقیقی را مشخص کند و باعث ارتقای سطح شعور مخاطبان خود شود. در واقع، اشارهٔ او به آیات قرآنی و نیز، مبانی صوفیانه برای رشد مؤلفه‌های فرهنگی و انسان‌ساز بوده است.

تصاویری که صائب از زاهدان و صوفیان در غزل‌ها ارائه می‌دهد، آنها را در گروه «دیگری» قرار می‌دهد. آنها از دید یک زندگی و اندیشه دارای فاصلهٔ اجتماعی برجسته‌ای با بیشینهٔ جامعه هستند و کارهایی را به انجام می‌رسانند که خلاف توصیه‌های قرآن، احادیث و نیز، متون عرفانی است. در نتیجه، شاعر با استناد به همان منابع اصیل انسان‌ساز، گروه‌های «دیگری» را به چالش می‌کشد و گوشه‌ای از واقعیت‌های جامعهٔ وقت را نشان می‌دهد.

صائب در بسیاری از سروده‌های خود، زشتی‌های فرهنگی و اخلاقی و فجایع اجتماعی را که به نوعی زاییدهٔ عدم توازن درست در قدرت هستند، بازگو کرده است. این رذیلت‌ها در متون دینی و عرفانی هم بازگو شده‌اند و صائب دوباره آن را شرح داده است. پس برای شنونده و گروه هدف، نامأنوس نیستند. او با صحنه‌پردازی و خلق شخصیت‌های متنوع، موفق به انجام این مهم شده است.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Ideological	ایدئولوژیک
2. Ethical discourse	گفتمان اخلاقی
3. Norman Fairclough	نورمن فرکلاف
4. Critical discourse analysis	تحلیل گفتمان انتقادی
5. Description	توصیف
6. Interpretation	تفسیر
7. Explanation	تبیین
8. Queuing system	نظام نوبت‌گیری
9. Group spirit	روح گروهی
10. Extremes and alterations	عبارت‌بندی‌های افراطی و دگرسان
11. Ideological discourse	گفتمان ایدئولوژیک
12. Description	توصیف
13. Social relations	مناسبات اجتماعی
14. Class differences	اختلاف طبقاتی
15. Ethical patterns	الگوهای اخلاقی

References

1. De-Vos P. (2002 (Critical discource analysis and the marketization of public discourse. In Toolan. M (ed.) Critical Discource Analysis. London: Routledge.
2. Aghagolzadeh F, Ghiasian M. (2008). Dominant approaches in critical discourse analysis. Journal of Language and Linguistics;3(5): 39-54. (In Persian).
3. Fairclough N. (2009). Critical discourse analysis. Translated by Shayesteh Piran F et al. 1st ed. Tehran: Center for Media Studies and Research. (In Persian).
4. Payende H. (2004). Critical discourse. 1st ed. Tehran: Roozegar. (In Persian).
5. Ranjbar F, Heidari MH, Vaezi H. (2022). The model of moral education from the perspective of

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

Allameh Jafari. Ethics in Science and Technology; 16(4): 35-43. (In Persian).
6. Saeb Tabrizi M. (1967). Diwan. Edited by Amiri Firoozkoohi. Tehran: National Works Association. (In Persian).
7. Tabatabai MH. (1985). Interpretation of the balance. Translated by Mousavi Hamedani SM. Tehran: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation. (In Persian).
8. Ragheb Isfahani AH. (1995). Almofredat. 9th ed. Egypt: Al-Mu'miniya Press. (In Persian).
9. Qarashi A. (1997). Quran Dictionary. 7th ed. Tehran: Islamic Library. (In Persian).
10. Abbas E. (1970). Ardeshir's age. Translated by Imam Shoushtari MA. Tehran: National Works Association. (In Persian).
11. Sajjadi J. (1992). Dictionary of mystical terms and interpretations. Tehran: Tahoori Library. (In Persian).
12. Khorani Sharifi GH. (2011). Saeb Tabrizi and moral norms: representation of morality in the safavid era. Journal of Ethics; 22: 25-50. (In Persian).
13. Tusi KN. (1986). Nasiri ethics. Edited by Minavi M, Heidari A. Tehran: Kharazmi Publication. (In Persian).
14. Ghazzali AH. (2003). Revival of the sciences. Translated by Moayed Al-Din Mohammad Kharazmi. 4th ed. Tehran: Scientific and cultural. (In Persian).
15. Dehkhoda AA. (2005). Dictionary. 21st ed. Tehran: University of Tehran.
16. Goharin S. (2010). Description of Sufi terms. 1st ed. Tehran: Zavar. (In Persian).
17. Yalmaha AR. (2013). Silence from the point of view of mystics. Journal of Islamic Mysticism (Religions and Mysticism); 8(32): 43-62. (In Persian).
18. Ansari Moqaddam Z, Mashhadi MA. (2018). Saeb Tabrizi's satire in introducing the ascetic character. Journal of Persian Language and Literature; 13(12): 11-42. (In Persian).
19. Safarinejad H, Halabi AA. (2020). The place of the philosophy of praise and glorification in the creation of moral and social criticism in the generalities of Saadi and the court of Khajavi Kermani. Ethics in Science and Technology; 14(3): 15-21. (In Persian).
20. Nasrasfahani, Tanhaei A, Adhami A, Homayoun Sepehr M. (2022). The role of ethics in the cognitive and sociological analysis of traditional oral stories (folk tales) of the popular culture of Isfahan province. Ethics in Science and Technology. 16(4) :1-9. (In Persian).
21. Rakaei F. (2015). Ethics in poetry. Ethics in Science and Technology; 9(3): 1-10. (In Persian).

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]